

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۲۹

## تأملی در آداب و رسوم و مسائل اجتماعی اهل فتوت در متون نثر عرفانی

### تا پایان قرن ششم هجری

سیده مریم ابوالقاسمی<sup>۱</sup>

نسرین فخمی<sup>۲</sup>

#### چکیده:

آیین فتوت و جوانمردی به عنوان طریقه‌ای شناخته شده در میان مردم، در طول تاریخ جایگاهی چشمگیر داشته است. جوانمردان همواره به صفاتی چون فداکاری، از خودگذشتگی، ایثار، شجاعت، سخاوت و... مشهور بوده‌اند. این آیین از پیشینه‌ای بسیار طولانی برخوردار است و حتی قدمت آن را به دوران پیش از اسلام می‌رسانند. طریقه فتوت و جوانمردی دارای رویکردهای مهم و گوناگونی است که از جمله مهمترین و شاخص‌ترین آن‌ها می‌توان به رویکرد اجتماعی آن اشاره کرد. به گواهی تاریخ، جوانمردان در مسائل اجتماعی نقش بسیار مهم و تأثیرگذار بر عهده داشته و همواره موجد تحرکات و جنبش‌های اجتماعی بوده‌اند. اهل فتوت در کنار نقش اجتماعی خود دارای آداب و رسوم ویژه‌ای نیز بوده‌اند که پیوسته خود را ملزم به رعایت آن می‌دانسته‌اند. این آداب و رسوم کمابیش در متون نثر عرفانی جلوه یافته است. در این پژوهش قصد داریم تا به بررسی مسائل اجتماعی و چگونگی انعکاس آداب و رسوم اهل فتوت در متون نثر عرفانی تا پایان قرن ششم هجری بپردازیم. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است.

#### کلید واژه‌ها:

متون نثر عرفانی، اهل فتوت، جوانمردی، آداب و رسوم، مسائل اجتماعی.

---

<sup>۱</sup> - عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی. نویسنده مسئول: M\_Abolghasemi@sbu. ac.ir

<sup>۲</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی.

## پیشگفتار

آیین فتوت و جوانمردی به عنوان آیینی ارزشمند که سرچشمه‌ای معنوی دارد، از ذات انسان‌های پاک نشأت یافته و همواره اهل فتوت را در جهات مختلف فردی، اجتماعی و الهی بسوی تکامل معنوی هدایت نموده است. بدیهی است صفاتی همچون: ایثار، فداکاری و گذشت در ارتباط با مردم و اجتماع نمود پیدا می‌کند. سیره و روش شخصیت‌های قرآنی مانند: حضرت ابراهیم، حضرت یوسف (علیهماسلام)، اصحاب کهف، و نیز پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت علی (ع) به عنوان بهترین الگوی آیین فتوت در شیوه زندگانی و در نحوه مراودات با مردم، بیانگر رویکرد اجتماعی آیین فتوت است.

در مورد پیشینه آیین فتوت از قول محققان دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است: دلایلی موجود است که بنیاد این آیین و مسلک اجتماعی پیش از اسلام نهاده شده زیرا بسیاری از افکار مانویان در آن راه یافته است. (کربن، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۳۸) همچنین سرمنشأ آن را باید در آیین مهر جستجو کرد. در دوره اشکانیان آیین پهلوانی و فتوت به خصوص در بین عیاران که طبقه‌ای خاص در جامعه ایرانی بودند گسترش یافت «سمک عیار» نمادی از آن دوره است. پیوند آیین مهر و آیین جوانمردان پارتی از ویژگی‌های دوره اشکانیان است. اشکانیان که پیرو آیین مهر بودند اعتقاد داشتند که مهردشمن دروغ است، نماینده پندار، گفتار و کردار نیک است، او حامی پیمان است بنابراین بعید نیست که جوانمردی ایرانیان از اوستا و نوشته‌های دینی پهلوی سرچشمه یافته باشد. (اریابی، ۱۳۹۰: ۸۵-۷۱ و ر. ک. افشاری و مدائنی، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۱) همچنین پیروان این آیین که آنان را «جوانمردان یا فتی» می‌نامیده‌اند، از قرن‌های آغازین اسلام تا عصر حاضر در تحولات اجتماعی و تاریخ سیاسی ایران تاثیر و اهمیت قابل توجهی داشته‌اند. در طول تاریخ ایران جوانمردان به گروه‌های متعدد تقسیم شده‌اند و در ادوار گوناگون، با نام‌ها و عنوان‌های متفاوت، حضور آنان در امور اجتماعی و سیاسی مشهود بوده است. عیاران کهن‌ترین گروه جوانمردانند که در تاریخ ایران از آنان نام برده شده است. حضور عیاران در سه قرن آغازین اسلام در ایران، خاصه در نواحی شرقی مشهور بوده اما با گذشت زمان نامی از آن‌ها در تاریخ ایران باقی نمانده است. چنان‌که در قرن‌های یازدهم و دوازدهم تنها نشان آنان را در قصه‌های عامیانه فارسی نظیر: رموز حمزه و اسکندرنامه می‌توان یافت، ولی این به معنی نابودی عیاران نیست بلکه در طی هشت - نه، قرن با نام‌های دیگری مانند پهلوان و شاطر در تاریخ ایران ظاهر شده‌اند. (افشاری،

در منابع مختلف اعم از کتب متقدمین و متأخرین به مطالب بسیاری در رابطه با آداب و رسوم اهل فتوت به عنوان یک جریان اصیل اجتماعی بر می‌خوریم.

یکی از مدارک معتبر و متقدم در باب آیین و روش فتوت کتاب «قابوسنامه» اثر عنصرالمعالی کیکاووس ابن اسکندر بن قابوس وشمگیر زیاری است که مؤلف آخرین باب آن را به آیین جوانمردی اختصاص داده و به اشباع در باب آن سخن گفته است چنانکه هیچ یک از باب‌های چهل و چهارگانه این کتاب بدان تفصیل نیست. مؤلف برای هر طبقه از مردمان شرایطی خاص برای جوانمردی قرار داده است؛ جوانمردی عیاران و سپاهیان دیگر است و جوانمردی بازاریان دیگر. (ر. ک. عنصرالمعالی اسکندر، باب چهل و چهارم، ۱۳۵۲: ۲۴۹-۲۴۷)

از توضیحات صاحب قابوسنامه چنین بر می‌آید که در عصر او پیش از آن، فتوت بصورت دستورهای عملی اخلاقی در میان طبقات گوناگون جامعه راه یافته بود و هر یک از آنان می‌کوشید در کار خود جوانمرد باشد و اصول فتوت را رعایت کند و به همین سبب است که از یک سوی پهلوان‌ها و ورزشکاران و زرگران و سپاهیان و عیاران خویشان را جوانمرد می‌خواندند و از سوی دیگر پیشه‌وران و بازاریان، آداب و رسوم خاص خویش داشتند و صوفیان و خانقاه‌نشینان هم در دستگاه خود راه و رسم جوانمردی را مراعات می‌کردند و آنکس را که در رعایت آن آداب کوشاتر و کامل‌تر بود در فتوت برتر از دیگران می‌شماردند.

در متون نثر عرفانی به صورت جسته و گریخته به آداب و رسوم اهل فتوت اشاره شده است که در تحلیلی دقیق‌تر می‌توان گفت؛ مبانی فکری و اصول کلی آن برگرفته از آیات قرآن کریم و نیز سنت پسندیده پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت علی (ع) است. آن چه این مدعا را به اثبات می‌رساند، وجود مطالب فراوان در کتب نثر عرفانی مانند: اللمع فی التصوف (ابونصر سراج) و کتاب الفتوة (سلمی) است که هر جا سخن از آداب و رسوم و رفتار و اخلاق اهل فتوت به میان آمده، آیه‌ای از قرآن و یا حدیثی از پیامبر اسلام (ص) و یا ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به عنوان شاهد و نقطه اتکای کلام نقل گردیده است.

یادآوری این نکته ضروری است که بیشترین توجه نویسندگان در متون نثر عرفانی تا پایان قرن ششم به تعاریف و مباحث نظری معطوف گردیده است که تلاش ما بر این بوده تا از خلال همین تعاریف مطالبی را که بیانگر آداب و رسوم اهل فتوت بوده استخراج نموده و در

این پژوهش به تجزیه و تحلیل آن پردازیم. در برخی از کتاب‌ها مانند: فتوت‌نامه شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی و کتاب الفتوة (سلمی)، بیشترین مطالب در ارتباط با آداب و رسوم اهل فتوت یافت می‌شود. این آداب از کلی‌ترین امور مانند: مسائل تعلیم و تربیت، نحوه تعامل مرید و مراد تا جزئی‌ترین آن‌ها همچون: آداب غذا خوردن، آداب میهمانی و سفر کردن را در بر می‌گیرد.

نکته قابل توجه دیگر آنکه اهل فتوت از نظر وجود آداب و رسوم مخصوص در بین خود و نحوه ارتباط با مردم و نیز وجود محلی برای تعلیم و تربیت شاگردان، با اهل «تصوف» شباهت‌های فراوانی داشته‌اند. در کتاب‌هایی همچون: «قوت القلوب» و «کتاب الفتوة» نحوه تعامل اجتماعی فتیان (اخیان، اهل اخوت) مطرح گردیده است که برخی از آن‌ها بیانگر آداب و رسوم اهل فتوت و برخی دیگر بیانگر نحوه تعامل ایشان با مردمان بوده است. به هر حال از مفاد فتوت‌نامه‌ها و کتب عرفانی می‌توان در یافت که اهل فتوت به عنوان گروه اجتماعی شناخته شده و بسیار محبوب، برای خود آیین‌نامه و آداب و رسومی خاص داشته‌اند که خود را ملزم به رعایت آن می‌دانسته‌اند. گفتنی است در برخی از کتب نثر عرفانی تا پایان قرن ششم، مانند: شرح التعرف، نورالعلوم، تمهیدات، صدمیدان، رسائل، منازل السائرین، سوانح العشاق المعارف، زبده الحقائق، رساله آداب المریدین، رساله السائر الحائر الواجد و تحفه البرهه فی المسائل العشره، مباحث مربوط به مسائل اجتماعی و آداب و رسوم جوانمردان مطرح نشده است. ملاک ما در این مقاله، بررسی و پژوهش در آن دسته از متون نثر عرفانی تا پایان قرن ششم است که به آداب و رسوم و مسائل اجتماعی اهل فتوت پرداخته‌اند.

### ۱-۲- آداب و رسوم اهل فتوت در متون نثر عرفانی

در بیشتر متون نثر عرفانی که تا پایان قرن ششم تألیف یافته به بعضی از آداب و رسوم اهل فتوت اشاره شده است که از آن جمله می‌توان به آداب میهمانی، غذا خوردن، معاشرت با برادران، تعلیم و تربیت، تأدیب فرزندان و... اشاره نمود. در این بخش به تحلیل و بررسی این آداب و رسوم می‌پردازیم.

کتاب الفتوة اثر سلمی نیشابوری (۴۱۲-۳۲۵ هـ ق) صوفی و مفسر بزرگ، در ردیف کهن‌ترین رساله‌هایی قرار دارد که درباره فتوت نوشته شده است. در این کتاب رساله‌های دیگری نیز وجود دارد که در آن به برخی از آداب و رسوم فتیان اشاره شده، مانند رساله

المقدمة فی التصوف. سلمی در این کتاب ویژگی‌های اخلاقی اهل فتوت را یک به یک به تصویر کشیده و برای هر یک از آداب، حدیثی از پیامبر(ص) و یا سخنی از مشایخ طریقت را به عنوان شاهد نقل کرده است. مثلاً در مورد ضیافت و مهمانی دادن و آداب غذا خوردن می‌گوید: «دوست داشتن ضیافت و مهمانی از فتوت است، پیامبر(ص) می‌فرماید: خیری نیست در کسی که میهمانی نمی‌دهد. غذا خوردن بعد از غذا خوردن حاضران در مجلس از فتوت است، رسول اکرم(ص) در هنگام صرف غذا با اصحاب، آخرین کسی بود که غذا می‌خورد. به کار بردن ادب در هنگام صرف غذا از فتوت است.» (سلمی، ۱۳۷۲: ۲۴۲ و ۲۳۵)

وجود احادیثی که سلمی نیشابوری در خلال مطالب مربوط به فتوت از پیامبر(ص) به عنوان شاهد مدعا ذکر می‌کند بیانگر این موضوع است که از دیدگاه سلمی، اهل فتوت زمانی می‌توانند به حدّ اعلای کمال انسانی دست یابند که شیوه زندگانی و سلوک دینی و سنت حسنه رسول اکرم(ص) را همواره مدنظر داشته و بدان عمل نمایند.

در کتاب المقدمه در مورد آداب میهمانی آمده: «از ادب فتوت است که وقتی میهمانی وارد می‌شود با او به کرامت رفتار شود و برای او طعام حاضر شود و با خوشرویی و کلام خوب با او روبرو شود.» (همان، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۰)

سلمی در این کتاب، در مورد آداب معاشرت و لزوم احترام به برادران مطالب گوناگونی را مطرح کرده، از جمله: «لزوم برخاستن از جای خود هنگام ورود یکی از برادران اهل فتوت، حفظ آداب معاشرت، مزاح و گشاده‌رویی با برادران اهل فتوت، حسن ظن نسبت به برادران و حفظ حرمت آنان، تأسف خوردن بر دوری برادران و کوشش برای جمع کردن و صلح دادن اهل فتوت.» (ر. ک. همان، ج ۲: ۳۱۹ و ۳۲۷)

مطالبی که درخصوص رعایت آداب و رسوم میهمانی و حفظ احترام به برادران ذکر شد بیانگر ارزش و اهمیت آن‌ها در نزد اهل فتوت است و نیز مؤید این نکته است که فقیان همواره با رعایت آداب و رسوم پسندیده خود سعی در جلب رضایت همگان اعم از دوستان، آشنایان، برادران و بویژه میهمانان داشته‌اند.

همچنین در این کتاب تأدیب حسنه فرزندان، ادب یافتن از بزرگان و نیکی به والدین و صله رحم نیز از ویژگی‌های اخلاقی و آداب و رسوم اهل فتوت به شمار آمده است. (ر. ک. همان: ۳۳۱-۳۳۰)

در قسمتی دیگر از کتاب الفتوة نه تنها به آداب و رسوم مربوط به مسائل معیشتی و ظاهری توجه شده بلکه برای انجام مراسم معنوی، عبادی و مناجات با خدا نیز میان اهل

فتوت آدابی ذکر شده: حفظ ادب در دعا کردن و حاجت طلبیدن و مناجات با خدا از جمله آداب و رسوم اهل فتوت است.» (ر. ک. همان: ۲۵۰)

با توجه به مطالب ذکر شده چنین استنباط می‌شود که آیین فتوت و جوانمردی از جامعیت بسیار بالایی برخوردار بوده، زیرا تمام مسائل اخلاقی، تربیتی، معنوی، عبادی و حتی معیشتی را در بر می‌گرفته است.

در کتاب نورالعلوم شیخ ابوالحسن خرقانی (۴۲۵-۳۴۸ هـ ق) در مورد آداب برادری گفته شده که: جوانمرد زمانی به نهایت تکامل معنوی خود در طریقت فتوت دست می‌یابد که، وقتی حق تعالی کرامت‌های فراوان در حق برادر وی کند و نسبت به او تنها یک کرامت کند آن را نیز به برادر خود ببخشد و دلشاد باشد. (ر. ک. خرقانی، ۱۳۶۳: ۹۲) از این سخن خرقانی می‌توان به نهایت از خودگذشتگی و ایثار اهل فتوت در برابر برادران و هموعان پی برد.

«اصولاً اساس طریقت جوانمردی خدایینی و خدامحوری است ولی توجه و نیازمندی به حق و استغنا از رد و قبول مردم، به معنای رویگردانی عارف یا به تعبیر ابوالحسن خرقانی، جوانمرد، از خلق و بی‌اعتنایی به سرنوشت و غم و شادی مردم نیست. اگر چه رأس همه اضلاع هرم طریقت شیخ ما، به خدای تعالی ختم می‌شود، حقی که پدر و مادر، نیازمندان، درماندگان و عموم مردم به گردن عارف دارند، هرگز مورد غفلت شیخ قرار نگرفته است. شیخ معتقد است که اگر دنیا پر از زر شود و مؤمن بدان دسترسی داشته باشد همه را در راه خدا می‌بخشد.» (مشتاق مهر، ۱۳۷۸: ۲۱-۲۰)

از جمله کتب صوفیه که به آداب و رسوم فتیان توجه داشته رساله قشیری (۴۳۸-۴۳۷ هـ ق) است. گفتنی است در این کتاب به طور مستقیم به موضوع آداب و رسوم فتیان پرداخته نشده و لیکن در خلال حکایاتی که نقل شده می‌توان به بعضی از آداب مربوط به اهل فتوت پی برد. در این کتاب حکایتی در ارتباط با نحوه برخورد با اسیران نقل شده: «ذوالنون مصری گفت هر که خواهد که از جوانمردان نیکویی ببیند به بغداد شود و سقّایان بغداد را ببیند. گفتند چگونه؟ گفت: اندر آن وقت که مرا منسوب کردند، نزد خلیفه بردند، سقّایی دیدم، عمامه نیکو بر سر نهاده و دستار مصری بر افکنده و کوزه‌های سفالین باریک و نو اندر دست. گفتم این سقّای سلطان است؟ گفتند نه، که سقّای عام است. کوزه‌ای از وی فرستادم و آب خوردم و کسی با من بود، وی را گفتم دیناری فراه ده، بنستند. گفت: تو اینجا اسیری و از جوانمردی نبود از تو چیزی ستدن.» (قشیری، ۱۳۶۱: ۳۶۰)

در این حکایت به آراستگی و پاکیزگی لباس اهل فتوت و نیز ظروف سالم و بی‌عیب و نقص آنان اشاره شده که حاکی از توجه به امر نظافت و پاکیزگی و نیز ارزش و اهمیت قائل شدن نسبت به دوستان و یاران در نزد جوانمردان است. ضمن این که بیانگر نهایت ایثارگری اهل فتوت نیز می‌باشد.

در این کتاب در مورد لزوم حفظ احترام به میهمان و ارزش و اهمیت فراوان او نزد جوانمردان گفته شده: «جریری گوید ابوالعباس بن مسروق شبی ما را دعوت کرد به خانه خویش، دوستی پیش ما باز آمد، وی را گفتم بازگرد که ما مهمان این شیخیم. گفت: مرا نخوانده است. گفتیم ما استثنا همی کنیم. او را باز گردانیدیم، چون به سرای شیخ رسیدیم، او را خبر دادیم از آن چه رفته بود بازان مرد. شیخ گفت: مرا در دل خویش چندان جای کردی که ناخوانده به خانه من آمدی. بر من است از خدای عزوجل عهد، که تو از خانه من نیروی بخانه خویش الّا بر روی من و الحاح بسیار کرد و روی بر زمین نهاد و آن مرد برگرفتند به دو کس تا پای بر روی وی نهاد چنانکه روی وی درد نکرد تا بخانه او.» (همان، ۱۳۶۱: ۳۶۴)

حکایت فوق نیز بیانگر این نکته است که در نظر اهل فتوت ارزش وجودی انسان به عنوان مخلوق خدا که روح الهی دارد، بسیار مورد توجه قرار گرفته، و به دلیل انتساب مقدس روح انسان به حق تعالی است که شیخ در حکایت مذکور روی بر زمین می‌نهد تا میهمان قدم بر چشم او نهد.

در رساله قشیریه در مورد نحوه رفتار با دوستان و عدم بهره‌مندی از اموال آنان آمده: «یکی بود از دوستان ما، نام وی احمد بن سهل التاجر، از وی حزمه کاغذ خریدم و بها ستد سرمایه، و سود نخواست. گفتم: سود نستانی؟ گفت: بها بستانم و سود البته، نه از آنکه با تو خلقی کرده باشم و لیکن از جوانمردی نبود بر دوستان سود کردن.» (همان: ۳۶۱-۳۶۰)

این حکایت نیز مبین نهایت مناعت طبع و بلندنظری اهل فتوت است، و بیانگر آنکه فطیان برای حفظ دوستی و حرمت آن در مقایسه با منافع شخصی، ارزش و اهمیت بیشتری قائل بوده‌اند، و هرگز روابط انسانی را فدای منافع زود گذر مادی و شخصی نمی‌کرده‌اند.

در این کتاب (رساله قشیریه) در قالب حکایتی به نحوه برخورد جوانمردان و آداب و رسوم ایشان در مواجهه با طبقات مختلف مردم نیز اشاره شده است: «گویند مردی دعوی جوانمردی کردی به نیشابور، وقتی به نسا شد مردی او را مهمان کرد و گروهی جوانمردان با وی بودند. چون طعام بخوردند کنیزکی بیرون آمد و آب بر دست ایشان می‌ریخت. نیشابوری دست شست و گفت: از جوانمردی نبود که زنان آب بر دست مردان ریزند. یکی از ایشان

گفت: چندین سال است تا در این سرای می‌رسم، ندانسته‌ام که آب در دست ما زنی می‌کند یا مردی.» (همان: ۳۶۱)

در کتاب طبقات الصوفیه خواجه عبدا... انصاری (۴۸۱-۳۹۶ ه.ق) نیز به نقل از ابوبکر الشبھی مطلبی آمده که از لحاظ چگونگی رفتار و آداب و رسوم مابین برادران در نزد اهل فتوت حائز اهمیت است، ابوبکر الشبھی طریقه فتوت را در اخلاق خوش و حسنه و احسان و نیکی و بخشش نسبت به برادران منحصر می‌کند و معتقد است فتوت چیزی نیست مگر حفظ ادب و اخلاق پسندیده.» (ر. ک. خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۸۶: ۲۸۶)

همچنین در کتاب عوارف المعارف شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی (۵۳۹ ه.ق)، مطالبی ذکر شده که حاکی از وجود آداب و رسومی خاص در بین اهل اخوت (فتوت) است. فتوت و اخوت از لحاظ معنوی تقریباً مترادف یکدیگرند و هماهنگی‌های بسیاری بین این دو شیوه وجود دارد، آداب و رسوم صحبت (همنشینی) اهل اخوت اجمالاً عبارتند از: «انصاف دادن و نطلبیدن آن از برادران، طمع نکردن در اموال دیگران، تبعیت از یاران، تشکر از برادران در صورت دریافت هدیه از آنان، شفقت بر دوستان، تسلیم در برابر خواسته‌های یاران، ترک تکلف و مدهانت در میهمانی، غمگین شدن در غم رفیقان و تضرع و زاری در برابر خداوند، معاشرت با برادران به دور از طریق مدارا و اعتذار، دوستی و برادری به خاطر رضای خدا و نه به خاطر امیال و هواهای نفسانی و دوری از رفاقتی که بخاطر جلب مال و ثروت باشد.» (ر. ک. سهروردی، ۱۳۶۴: ۱۷۴-۱۷۱)

از میان مطالبی که در توصیف آداب و رسوم فتیان ذکر شد، مسائلی مانند ترک تکلف و مدهانت، غمگین شدن در غم رفیقان، و معاشرت با برادران به دور از طریق مدارا و اعتذار، بیانگر وجود صفا و صمیمیت در روابط و تعاملات فتیان، همدلی و همیاری و عدم وجود نفاق و ریاکاری در بین آنان است.

در کتاب فتوت‌نامه سهروردی نیز به تفصیل به موضوع آداب و رسوم اهل فتوت پرداخته شده، بیشترین مطالب در خصوص آداب و رسوم جوانمردان در این کتاب موجود است. این فتوت‌نامه به همراه شش فتوت‌نامه دیگر در کتابی با عنوان «رسایل جوانمردان»، به وسیله مرحوم دکتر مرتضی صراف جمع‌آوری و تألیف شده است. در این کتاب در مورد آداب میهمانی و غذا خوردن این گروه به جزئی‌ترین مسائل توجه شده، حتی بین آداب غذا خوردن مرید و مراد که هر دو اهل فتوت هستند تمایز قائل شده، به عنوان مثال در مورد آداب غذا خوردن مرید در حضور بزرگان و مشایخ اهل فتوت گفته شده: «چون خوان



بگسترانند، اگر او را راه نشستن بود، بنشیند و نشستن وقتی بود که چندان باسد کی خوان بیندازند و مردم دست به طعام کنند. چون صلا زنند اگر از آن جمله که ایستاده‌اند، کسی بود که او را در حضور مرید نشانده بوند بر همان مقام معلوم بنشیند، طعام وقتی خورد کی دیگران دست کرده باشند، چون طعام خواهد خوردن، دست بشوید و نام خدا بر زبان راند و لقمه بزرگ بر دهان نهد و دست پیش همنشین و هم کاسه نکند و در میان غذا خوردن سخن نگوید، چون طعام باقی باشد دست باز ندارد، چون سفره بردارند خرده سفره برچیند و باز به مقام خویش رود و گوید الحمدا... رب العالمین.» (ر. ک. صراف، ۱۳۵۲: ۱۵۱-۱۴۶)

سهروردی همچنین به آداب و رسوم غذا خوردن و آب خوردن (صاحبان فتوت) اشاره کرده، ضمن این که جزئیات این آداب را به طور کامل بیان نموده است. از جمله در مورد: ظرف غذا، زمان صرف غذا، لزوم صرف غذا با دیگران، توجه به حلال و حرام بودن غذا و نوع غذا مطالب جالب توجهی را ذکر کرده و اجمالاً معتقد است: «باید که مرد صاحب فتوت از کاسه شکسته و باز بسته طعام نخورد، و کوزه‌ای که در آن آب خورد ترکیده نباشد و سر فراخ باید. واجب آن است که مرد صاحب فتوت طعام نخورد الا وقتی که نفس او نیک محتاج گردد، چون طعام خواهد خورد، به تنها نخورد، و این معنی آنست که طعام تنها خوردن، از بخل بود و آن جا که فتوت است؛ و اگر چهار ساعت گرسنه بود تنها چیزی نخورد تا آنکه رفیق بیاید. و باید که طعام پاکیزه خورد، یعنی حلال خورد، چون طعام خواهد خورد، اگر مردم بسیار بر خوان بوند، دست وقتی به نان کند که مردم دست به طعام کرده باشند، همه را در نظر آرد و اگر کسی از دور نگران بود، او را بخواند و آنگه خود دست به طعام کند. (همان: ۱۶۴-۱۶۱)

در این متن چند نکته قابل تأمل به نظر می‌رسد؛ نخست این که سهروردی به مسائل بهداشتی توجه نشان داده، لذا می‌گوید صاحب فتوت نباید از کاسه شکسته و یا کوزه ترکیده استفاده کند مبادا که موجب بیماری شود و نیز به زمان غذا خوردن اشاره می‌کند که از دیدگاه علم پزشکی بسیار حائز اهمیت است.

سهروردی در باب آداب «آب خوردن» صاحب فتوت و مراسم پس از صرف غذا به جزئیاتی اشاره کرده که جالب توجه است: «اگر آب خورد، کوزه به دست راست گیرد، دست چپ برابر کوزه دارد، پشت دست سوی بن کوزه و کف دست سوی مردم کند، آنگه آب خورد، و آب باریک به رفق می‌خورد؛ و چون خوان بردارند، خرده خوان برچیند و اگر خلال کند دستارچه یا دست چپ برابر دهان دارد، همچنانکه گفتیم پشت دست در برابر دهان دارد

و اگر دستارچه بود اولی تر باشد تا دنداننش برهنه نشود». (ر. ک. همان: ۱۶۵)

مطالبی که درخصوص نحوه آشامیدن آب ذکر شده دال بر نهایت آداب دانی و نزاکت اهل فتوت است. سهروردی در فتوت نامه خود به آداب و رسوم اهل فتوت، بویژه آداب مریدی و مرادی نیز می‌پردازد و حقوقی را برای مرید و مراد در نظر می‌گیرد که لازم است از سوی طرفین رعایت شود. در این کتاب شیخ شهاب الدین مستقیماً از کلمه مرید و مراد استفاده نکرده، لیکن بدیهی است که مقصود وی از کلمه «صاحب»، مراد و از کلمه «تربیه» مرید است که مورد تربیت و پرورش مراد قرار می‌گیرد. بخشی از کتاب سهروردی به حقوق متقابل صاحب و تربیه (مرید و مراد) اختصاص دارد:

«واجبات حق صاحب بر تربیه آن است، مادام نظر به سوی تربیه دارد و به هیچ نوع او را در خلاء و ملاء فراموش نکند، اگر در حضورست و اگر تنها، به هر حال نظر به سوی تربیه دارد و در هر حرکت کزو در وجود می‌آید حاضر بود اگر یکی است و اگر بسیار، نظر سوی همه گمارد، اگر خطایی زاینده شود لب درگزد، و این وقتی بود که تربیه نیز مادام بر صاحب، واقف و حاضر بود، چون هردو بر همدیگر حاضر باشند و گوش به اشارت همدیگر می‌دارند اگر صاحب را مهمی باشد، اشارت کند، باید که تربیه بر آن اطلاع یابد و بدان مهم قیام کند». (صراف، ۱۳۵۲: ۱۲۲-۱۲۱)

مطالب مذکور درخصوص نحوه تعلیم و تربیت مریدان بیانگراهمیت این امر خطیر در نزد اهل فتوت است، ازسویی نیز نزدیکی روابط (مرید و مراد) را از لحاظ معنوی نشان می‌دهد که لازمه امر تعلیم و تربیت است.

در بخش دیگری از فتوت نامه نحوه عملکرد صاحب (مراد) در ارتباط با تربیت تربیه (مرید)، با جزئیات بیشتری مورد بحث قرار گرفته است: «حق دیگر آن است که مادام تربیت تربیه خود کند، تربیت آن است که ادبات و تربیت و خصائلی که در این باب به کار آید، او را درمی‌آموزد و تعلیم می‌دهد، و از حال گذشتگان یاد می‌کند تا تربیگان (مریدان) او آن را یاد می‌گیرند و در همه انواع استاد می‌گردند. روز به روز فعل و ادب و تربیت ایشان زیادت می‌شود و حریص می‌شوند. بر صاحب می‌آیند. صاحب باید دل و درون مردم به پاکی و پارسایی و شیرین زبانی و تلطف به خود می‌کشد و سخن به عنف نگوید و در سلام و جواب نیک به تواضع بود تا خلق مهربان گردند و محبت او اختیار کنند تا به برکت محبت او امن و صحت ظاهری و باطنی یابند و پارسایی». (همان: ۱۲۵)

سهروردی در ادامه مطالب خود در باب آداب و رسوم اهل فتوت، ضمن اشاره به ایثار و گشاده دستی که از اهم ارکان فتوت است به آداب و مراسم فتوت خانه‌ها و مقایسه میان خانقاه و فتوت خانه می‌پردازد. به اعتقاد وی، فتوت خانه بر خانقاه برتری دارد؛ زیرا اموال و ثروتی که خرج هزینه آمد و شد در فتوت خانه می‌شود از مال حلال کسب شده فتیان است و لذا حلال می‌باشد. حال آن که اموال خانقاه شبهه ناک است. خانقاه را صاحبان زر و زور ساخته‌اند، اما فتوت خانه به دست فتیان و با مال حلال آنان ساخته شده و بدیهی است از لحاظ شرعی و دینی، میان این دو تفاوت فراوان وجود دارد. نویسنده در ادامه نیز به نحوه برخورد با آیندگان و روندگان به فتوت خانه اشاره کرده و معتقد است ایشان باید که بهره مادی و معنوی از فتوت خانه ببرند، ضمن این که تربیگان (مریدان) نیز لازم است همواره منظور نظر صاحبان خود باشند و از هدایایی که می‌رسد بهره مند گردند تا پیوسته دلگرم شوند:

«حق دیگران است که صاحب پیوسته دست به سخاوت و ایثار گشاده دارد و هیچ چیز از تربیگان و غیره دریغ ندارد. و مادام سفره گشاده دارد، بر عادت خانقاه. و فتوت خانه هم بر مثال خانقاه است. زیرا که صاحب فتوت بدست کسب می‌کند و خانقاه دیگری کرده است و بیشتر ملوک و امرا می‌سازند و زرایشان جمله از آن است که در آن جا نظر است، که حلال است یا حرام. پس صاحب فتوت بناکننده خانقاه است و شیخ و غیره همه طفیل‌اند. هر آینده و رونده که آید باید که از آن جا نصیب یابد و فایده برگیرد از طعام و شراب و کسوت و پا وزار و نفقت و علم و حلم و حکمت و معرفت و عمل». (همان: ۱۲۶- ۱۲۵)

در این کتاب به موضوع «امر به معروف و نهی از منکر» تربیه (مریدان) نیز اشاره شده: «حق دیگر صاحب بر تربیه آن است که تربیگان او در هر کار و عمل که می‌باشند می‌آزمایند و آن را بدین و این را بدان می‌سپارند و بر یکدیگرشان معتمد می‌گردانند تا اگر از پنهان صاحب خویش حرکتی ناصواب در وجود آید، هر که ببیند و بداند خبر باز دهد تا زودتر از آنکه آواره گردد و در آن حرکت اسراف کند، او را بخواند و نصیحت کند و نوبت اول که از تربیه حرکتی ببیند او را نصیحت کند و به همان نصیحت قناعت کند و زیادت سخنی نگوید که آزار باشد و نرنجاند، بلکه گوید این حرکت کار شیطان و فعل ابلیس بود. توبه کن و اگر بعد از این بر سر این کار روی و حرکتی ناصواب از تو در وجود آید، مستوجب گوشمال گردی و حد عمری ترا لازم شود. این نصیحت بکند و به پای ماچان باستاند و غرامت آن بی ادبی بکشد، و بر همین اختصار کند». (همان: ۱۲۸)

بدیهی است سهروردی در گفتار خود در باب امر به معروف ونهی از منکر ونیز مسائل گوناگون اهل فتوت الگوی دینی و قرآنی را مد نظر داشته و همواره بر آن تأکید می‌ورزیده است. شیخ شهاب الدین در مورد آداب و رسوم «پیغام‌رسانی» و نحوه برخورد با بزرگان و مشایخ اهل فتوت و رعایت ادب در هنگام رویارویی با آن‌ها نیز نکات قابل توجهی را بیان می‌کند که بیانگر نهایت آداب دانی و نزاکت جوانمردان است:

«حق دیگر صاحب بر تربیه آنست که اگر او را به مهمی بر صاحب فتوتی فرستد، گوید: برو و سلام این ضعیف بدان صاحب فتوت رسان و بگو که باید به بیت الاحزان درویشان آیی، شرط آن است سلام صاحب خویش برساند، زیرا که پیغام سخن صاحب است و سلام سلام خداست، چون سلام خدا به زبان رسانید، پیغام صاحب به اشارت رساند، اگر آن صاحب به علم و حلم و حکمت و ایثار از صاحب او اولاتر بود، بگوید کی صاحب این ضعیف خدمت و دعا می‌رساند و اگر از صاحب او فروتر بود، گوید: صاحبم دعا و سلام می‌رساند و باستد و چشم سوی آن صاحب دارد و گوید کی جماعتی از اهل علم و اهل فتوت مشتاق حضور شریف خداوندی اخی گشته‌اند، اگر تشریف فرماید، غایت مروّت بود. (همان: ۱۴۲-۱۴۰)

با اندکی تأمل در مطالبی که ذکر گردید می‌توان به این نکته پی برد که آداب و رسوم اهل فتوت تا چه اندازه در برگیرنده امور تعلیمی و تربیتی بوده و لزوم احترام به دیگران و بویژه صاحبان فتوت تا چه حد مورد توجه آنان قرار گرفته است.

در این کتاب حتی به موضوع «کسب و کار» و نحوه استفاده از مال و ثروت در میان اهل فتوت نیز توجه شده: «اگر صاحب فتوت پیشه کار بود، هر چه از کسب حلال از دسترنج بدست آرد چون سر هفته بود، روز آدینه یا غیرآدینه، اما روز آدینه اولی‌تر است، و روز آدینه پیش از نماز جمعه مکسب حلال کردن حرام است و دست از کار و بار باز دارد و روز جمعه به ترک کار و اشتغال دنیا بگوید، و آن روز دعوتی سازد و آن چه در هفته به دست آورده باشد در آن دعوت کند و تصرف نکند و این طریقت فتوت است.» (همان: ۱۲۷)

تأمل در این مطالب نشانگر آنست که اهل فتوت علاوه بر رعایت آدابی که به مسائل معنوی مربوط می‌شود به لزوم رعایت آداب مربوط به مسائل مادی و معیشتی نیز توجه نشان می‌دهند، و این موضوع بیانگر دیدگاه جامع و کامل ایشان در مورد مسائل مادی و معنوی انسان است.

سهروردی در مورد نحوه «پوشش فتیان و زینت آلات و رنگ و نوع و جنس لباس» و نیز

لزوم حفظ ظاهر و آراستگی صاحب فتوت در میان مردم معتقد است که: مرد صاحب فتوت باید خود را زینت نکند و نیاراید چنانکه گوشواره و انگشتری و لباس رنگارنگ و دارای نقش و نگار نباشد، مگر انگشتری که بر روی آن نگین با فایده باشد، مانند لعل و یاقوت و زمرد و دهانه فرنگی و بر روی نقره باشد تا حرام نباشد. جامه رنگارنگ نشان رعنائی است در حالی که رعنائی شایسته جوانمردان نیست، سهروردی جوانمردان را از پوشیدن لباس کهنه و پاره پاره و مندرس برحذر می‌دارد. (ر. ک. صراف: ۱۳۵۲: ۱۶۰-۱۵۸)

از دیدگاه سهروردی مرد صاحب فتوت لازم است خود را از آراستگی‌هایی که نشأت گرفته از وسوسه‌های نفسانی است دور نگاه دارد، زیرا که زیبا جلوه کردن در میان مردمان و نیاز به جلب توجه ایشان، اهل فتوت را از مقصد اصلی باز می‌دارد. در عین حال سهروردی لزوم پوشیدن لباس نو و پاک و مطهر را از جمله واجبات در خصوص پوشش فتيان عنوان می‌کند، چراکه حفظ ظاهر آراسته، عموماً بر هر مسلمانی و خصوصاً بر اهل فتوت واجب است.

در بخش دیگری از این کتاب در مورد «لزوم وجود سلاح در سفر و در هنگام خطر» و نیز وسایل و لوازم مورد نیاز صاحب فتوت گفته شده: لازم نیست صاحب فتوت ساز و سلاح داشته باشد، الا در سفر یا در مقام خطر اما از جمله ساز و آلت‌هایی که به کار او می‌آید به هفت آلت اشاره می‌کند که به ترتیب عبارتند از: کارد و ناخن چین و سرتراش و شانه و مسواک و میل و مقاش. (ر. ک. همان: ۱۶۲)

در کتاب تذکره الاولیاء (اواخر قرن ششم، ه. ق) عطارنیشابوری، حکایتی در باب آداب میهمانی و میزبانی در میان جوانمردان ذکر شده که در طی آن بو حفص چند ماهی میهمان شبلی می‌شود و شبلی نهایت تشریفات و تکلف را در پذیرایی از میهمان خویش به کار می‌گیرد و این رفتار وی، طبع ساده پسند بو حفص را خوش نمی‌آید و به وی گوشزد می‌کند که تکلف و تشریفات در میزبانی شایسته جوانمردان نیست و موجب می‌شود که ارتباط مابین جوانمردان آلوده به مسائل مادی شده و آن صفا و پاکی و خلوص نیت باطنی آنان پایمال گردد. ضمن این که اینگونه میزبانی موجب تکدر خاطر شده و موجب می‌شود میزبان همواره در دل آرزوی رفتن میهمان را داشته باشد و این رسم جوانمردی نیست و در نهایت موجب قطع رحم می‌گردد. (ر. ک. عطار، ۱۳۷۹: ۴۲۸)

در این حکایت چند نکته حائز اهمیت است، نخست لزوم ارتباط مابین جوانمردان و نیز رعایت سادگی و بی‌آلایشی، و دوری از وسوسه‌های نفسانی که برخی تکلفات بیهوده

رادر نظر انسان می‌آراید و جوانمرد را از مقصد اصلی خویش باز می‌دارد، و نیز مهم‌تر از همه این که آن لذت معنوی و نشاط درونی که ماحصل ارتباط بین جوانمردان و لازمه رشد و تکامل معنوی است با وجود تشریفات غیر ضروری از بین می‌رود.

### ۱-۳- مسائل اجتماعی اهل فتوت در متون نثر عرفانی

در این بخش به مسائل اجتماعی اهل فتوت می‌پردازیم که شامل: نوع عملکرد فقیان در جامعه با اقشار مختلف اجتماع و نقش مثبت آنان در حل مشکلات عامه مردم و گسترش روحیه ایثار و فداکاری است. جوانمردان به عنوان تشکلی اجتماعی به طور طبیعی خود را ملزم به انجام اعمالی می‌دانسته‌اند که این اعمال نشأت یافته از نحوه نگرش آنان بوده و در نهایت به سود عامه مردم تمام می‌شده است. در متون نثر عرفانی تا پایان قرن ششم هجری به صورت مستقیم به مسائل اجتماعی اهل فتوت اشاره‌ای نشده است، لیکن در خلال مطالبی که در مورد فقیان آمده می‌توان به نقش اجتماعی آنان پی برد.

در کتاب *اللمع فی التصوف* (۳۶۰-۳۴۰ هـ ق) در مورد مروّت گفته شده: «صیانت نفس از پلیدی‌ها و خوب رفتار کردن با مردم در هنگام نشست و برخاست است و اگر بیشتر شد فضل و بزرگی است.» (ابونصر سراج طوسی، ۱۳۸۲: ۲۳۷)

در کتاب *الفتوة* نیز برای جوانمردان ویژگی‌هایی ذکر شده که از دیدگاه اجتماعی قابل تأمل است این خصوصیات عبارتند از: بخشیدن مال و جاه به برادران، حفظ دوستی دیرینه و صلح و رحمت، امکان تصرف اموال صاحب فتوت از جانب برادران، گوشه گیری در زمان تباهی و فساد در جامعه، وفای به عهد، وفاداری با دوستان در زمان فقر و تنگدستی، ترک طلب حقوق خود و ستاندن حقوق مردم، مشورت با مردم و تحمل رنج و آزار آنان، تکیه و اعتماد برادران بر اهل فتوت، دوست داشتن غریبان و حمایت از آنان، عدم سرزنش برادران در صورت بروز لغزش و خطا. (ر. ک. سلمی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۲۳ و ۳۲۳)

با اندکی تأمل در محتوای مطالب ذکر شده می‌توان به تأثیرگذاری عظیم این نوع طرز تفکر در جامعه پی برد، به عنوان مثال می‌توان در نظر گرفت که بخشش مال و ثروت از سوی توانمندان جامعه تا چه اندازه می‌تواند در رفع فقر و تنگدستی و ایجاد شادکامی در میان مردم مثر ثمر واقع گردد، و یا حمایت از هموعان و رسیدگی به مسائل و مشکلات دیگران از دیدگاه اجتماعی تا چه اندازه مهم و ارزشمند است. احقاق حق مظلوم از مهم‌ترین ویژگی‌های اهل فتوت است که از دیدگاه اجتماعی اهمیتی بسزا داشته، زیرا که فقیان همواره در نظر انسانهای ضعیف، مظلوم و تنگدست همچون ملجأ و پناهگاهی بوده‌اند که مردم

پیوسته چشم امید به حمایت‌های مالی، جانی و معنوی آنان داشته‌اند.

موضوع چشم پوشی از «عیوب و نواقص دیگران» می‌تواند آثار بی شمار اجتماعی و نتایج ارزشمند فرهنگی در پی داشته باشد و مردمان را از غیبت و بدگویی که یکی از مهمترین آفات فرهنگی و اجتماعی است، بازدارد.

در مورد روش زندگانی و سلوک اهل اخوت و نحوه رفتار آنان در موقعیت‌های مختلف از جمله رفتار با برادران (اخیان)، همسایگان و دوستان نیز مطالبی آمده: «اهل اخوت قطع دوستی نمی‌کنند بعد از آنکه دوست شدند و دوست را رد نمی‌کنند بعد از آنکه قبولش کردند.» (همان: ۸۱)

از جمله دیگر تعاملات اجتماعی اهل فتوت می‌توان به این موارد اشاره کرد: «تواضع و فروتنی نسبت به برادران، ترک تکبر و خودپرستی، حفظ اسرار برادران، عدم مخالفت با برادران در امور دنیا، ترک خشم، رحمت و شفقت بر برادران، خوش کلام بودن، نیکی کردن در حق همسایه، و اتحاد با برادران در تمام اوقات.» (ر. ک. همان: ۱۰۱ و ۸۲)

در کتاب قوت القلوب ابوطالب مکی (قرن سوم هجری) نیز در خصوص سلوک اجتماعی اهل اخوت (فتوت)، به ویژه در فصل چهل و چهارم این کتاب آمده: «تابعین بر نیکی بسیار به برادران در راه خدا و الفت و محبت بر مؤمنین بسیار تأکید کرده‌اند و گفته‌اند بر تعداد برادران خود بیفزائید، چون هر مؤمنی شفاعتی دارد، امید هست که به شفاعت یکی از همین برادران گناهان بخشوده شود. حضرت رسول (ص) فرموده: مؤمن کسی است که اهل الفت باشد، و خیری نیست در کسی که با او الفت کنند و او با مردمان قطع الفت کند. اولین چیزی که مقام امت اسلام را بالا می‌برد ابتدا خشوع، و سپس پرهیزکاری، حفظ امانت و در آخر الفت و مؤانست با مردم است. وقتی که دو برادر با هم دیدار می‌کنند، مانند دو دست است که یکی دیگری را می‌شوید و پاک می‌کند.» (مکی، ۲۰۰۷: ۴۱۴-۴۱۳)

و نیز در مورد اخوت و برادری در دین اسلام از قول پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده: «کسی که برادری کند با یک برادر مسلمان به خاطر خدا، خداوند عزوجل مقام او را در بهشت تا حدی بالا می‌برد که با هیچ عملی نمی‌تواند به آن مقام برسد. هر که شناخت فضیلت برادری را و دانست درجه محبت را در راه خداوند، تحمل می‌کند سختی‌ها را در راه برادرش. از رسول (ص) روایت شده: در اطراف عرش منبرهایی است از نور، بر روی آن‌ها قومی نشسته‌اند. لباس‌هایشان از نور و صورت‌هایشان از نور، آن‌ها انبیاء و یا شهداء نیستند، بلکه انبیاء و شهداء به آنان غبطه می‌خورند. پرسیدند یا رسول الله... آن‌ها چه کسانی‌اند؟ فرمود: آن

ها کسانی هستند که به برادران خود در راه خدا محبت می‌کنند و با آن‌ها بخاطر خدا مجالست می‌کنند و با آن‌ها بخاطر خدا دیدار می‌کنند». (همان: ۴۱۹ - ۴۱۴)

عبارات یاد شده دربرگیرنده چند نکته اساسی است: نخست موضوع اعتقادات دینی و ارتباط آن با نحوه سلوک اهل فتوت است، زیرا که اصول مبانی فکری جوانمردان متأثر از اصول دین و قرآن است. نکته دیگر طرز نگرش نویسنده کتاب نسبت به مسائل دینی است که متعاقباً برای تشویق جوانمردان به پیروی از آیین و سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) از احادیث شریف نبوی استمداد می‌طلبد. و بدین وسیله اصول اعتقادی اهل فتوت را با اصول دینی پیوند زده و نیکی و زشتی اعمال فتیان را با معیار دین اسلام و قرآن و سنت پیامبر (ص) می‌سنجد. و در نهایت توجه به ارزش و اهمیت صبر و تحمل در میان جوانمردان است که موجب استحکام و تداوم روابط اجتماعی برادران می‌شود. در خیر مشهور آمده: «بنده طعم ایمان را نمی‌چشد مگر زمانی که دوست بدارد مردی را که کسی جز خدا او را دوست ندارد». (همان: ۴۲۰)

در این کتاب در مورد نحوه یاد کردن از برادران در زمان حضور و غیاب آنان و لزوم پیوند با آنان گفته شده: «یاد مکن برادرت را زمانی که حضور ندارد مگر بطوریکه دوست داری او ترا یاد کند زمانی که حضور نداری، و او را ببخش همانطور که دوست داری او ترا ببخشد، و نیز با برادرت قطع رابطه مکن وقتی که گناهی از او سر زد، چرا که او امروز مرتکب گناه شده و فردا آن را ترک می‌کند. چیزی در دنیا باقی نمی‌ماند، لذت ناک‌تر از سه چیز: نماز در جماعت، و شب زنده داری برای عبادت و دیدار با برادران.» (همان: ۴۲۳ - ۴۲۰)

همچنین از قول پیامبر اکرم (ص) روایت شده: «سه چیز از نشانه‌های جوانمردی است در حضر: تلاوت کتاب خدا، و ساختن مسجد و برگزیدن برادری برای مصاحبت به خاطر خدا. و از فضیلت‌های برادری در راه خدا آنست که نزدیک می‌کند آنان را به قرائت کتاب خدا و ساختن خانه خدا و جلب برادران در رفت و آمد به خانه خدا.» (ر. ک. مکی، ۲۰۰۷: ۴۳۲)

از این توصیفات می‌توان استنباط کرد که ساختن مسجد به عنوان مکانی عمومی برای انجام امور عبادی و معنوی مسلمانان و نیز محلی برای دیدار با برادران جهت حل مسائل و مشکلات بیشتر جنبه اجتماعی دارد و بیانگر لزوم اتحاد و همدلی و همیاری در میان مسلمانان، بویژه جوانمردان است.

در ادامه به بررسی مسائل اجتماعی اهل فتوت در کتاب طبقات الصوفیه می‌پردازیم. در این کتاب ویژگی‌هایی از اهل فتوت بیان شده که با رویکرد اجتماعی مقوله «فتوت» هماهنگی



تام دارد؛ از جمله این که شخص «فتی» نباید خود را برتر از دیگران بداند همانطور که نباید برای خود حقی را در نظر بگیرد و همواره همگان را از خود بهتر و شایسته‌تر بیندارد، و در مقابل خطاهای کوچک و بزرگ آن‌ها خود را به تغافل بزند، جوانمرد باید پیوسته جاه و مال خود را در راه برادران بکار گیرد و برای سعادت دنیوی و اخروی آن‌ها دعا کند، و هیچگاه از برادران انتظار انصاف ورزی نداشته باشد. (ر. ک. خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۸۶: ۲۸۷-۲۸۵) در عبارت «انصاف طلب ناکردن» جنبه اجتماعی مقوله فتوت مشهود است، زیرا انصاف را باید از مردم طلبید و کسی که این صفت را داراست ضمن این که خود در آرامش به سر می‌برد، مردم نیز به خاطر وجود او در آسایش‌اند.

در کتاب کشف الاسرار (۵۲۰، ه. ق) ابوالفضل میبیدی نیز مطالبی در خصوص جوانمردی آمده که بیانگر نحوه سلوک جوانمردان در ارتباط با مردم است: «و سیرت جوانمردان آنست که مصطفی (ص) با علی (ع) گفت: یا علی جوانمرد راستگوی بود، وفادار و امانت‌گذار و رحیم دل، درویش دار و پر عطا و مهمان نواز و نیکوکار و شرمگین. و گفته‌اند سرور همه جوانمردان یوسف صدیق بود- علیه السلام - که از برادران به وی رسید از انواع بلیات، آنکه چون برایشان دست یافت، گفت: لا تثریب علیکم الیوم. و در خبر است که رسول (ص) نشسته بود، سائلی سؤال کرد، رسول (ص) روی سوی یاران کرد، گفت: با وی جوانمردی کنید، علی (ع) برخاست و رفت، چون باز آمد یک دینار داشت و پنج درم و یک قرص طعام، رسول (ص) گفت: یا علی این چه حالت است؟ گفت: یا رسول... چون سائل سؤال کرد بر دلم بگذشت که به او قرصی دهم، باز در دلم آمد که پنج درم به وی دهم، باز به خاطرم بگذشت که یک دینار به وی دهم، اکنون روا نداشتم که آن چه به خاطرم فراز آمد و بر دلم بگذشت نکنم، رسول (ص) گفت: لا فتی الا علی». (میبیدی، ۱۳۵۷، ج ۵: ۶۶۹-۶۶۸)

از این توصیفات می‌توان استنباط کرد که نویسنده کتاب به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی مقوله جوانمردی توجه نشان داده و همچون دیگر تفسیرنویسان، حضرت یوسف را به عنوان جوانمرد معرفی نموده است. در حکایت مذکور به موضوع بخشش و ایثار که یکی از اصلی‌ترین مبانی آئین جوانمردی است و تنها در اجتماع نمود پیدا می‌کند اشاره شده، ضمن این که اهمیت نقش شخصیت حضرت علی (ع) به عنوان پیر و مراد جوانمردان مورد توجه قرار گرفته است.

در کتاب اسرار التوحید محمد بن منور (۴۴۰-۳۵۷ ه. ق) نیز تعریفی از فتوت بیان شده که از دیدگاه اجتماعی قابل تأمل است: «شیخ ما را پرسیدند: ای شیخ! ما الفتوة؟ شیخ گفت: ان

ترضی لایحیک ما ترضی لنفسک. پس گفت: حقیقة الفتوة ان تعذر الخلق فیما فیہ و من صحب الفتیان من غیر فتوة یفتضح سریعاً». (ر. ک. محمدابن منور، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۹۴)

در این عبارات باید به چند نکته توجه داشت، نخست این که این توصیف هماهنگی کامل با حدیث پیامبر (ص) دارد که فرمودند: هر آن چه را که برای خود می‌پسندید برای دیگران نیز بیسندید و نکته دیگر چشم پوشی از عیوب مردم است که به این موضوع نیز در احادیث نبوی تأکید شده است.

همچنین در کتاب عوارف المعارف شیخ شهاب الدین عمر سهروردی نیز در خصوص نحوه سلوک اهل فتوت و اخوت و لزوم رعایت آئین جوانمردی در ارتباط با دیگران آمده: «از حقوق صحبت آنست که اگر از یکی بی ادبی ظاهر شود، هم صحبت باید آن را اعلام نکند، تا آنکه که آن کراهیت از دل خود زایل گرداند، زیرا چون دوستی از دوستی برنجد، آن رنجیدن از خوی بد تولد کند که در اندرون او پنهان بود. از بهر آنکه صحبت از بهر حق تعالی را باشد، صافی تر باشد از آب زلال که هیچ کدورت برنتابد و از حقوق صحبت آنست که در غیبت یکدیگر ذکر محاسن یکدیگر کنند و اگر از یکی حالی ظاهر شود که موجب قطع باشد، هم صحبت باید آن حال را دشمن دارد و نه دوست». (سهروردی، ۱۳۶۴: ۱۷۰)

در خبر است که رسول (ص) عبدا... عمر را در راهی دید که از چپ و راست می‌نگرید. گفت یا عبدا... ترا چه بوده است؟ گفت: برادری دوست گرفتم و ندانم که از کدام جانب برفت؟ رسول (ص) گفت: چون با کسی دوستی افکنی، نام او و نام پدرش بپرس و از منزل او با خبر باش تا اگر بیمار شود، به عیادت وی روی و اگر از تو یاری خواهد، یاری وی بتوانی آداب هم صحبت آن است که، در حرمت داشت وی سعی کنی و از غیبت او تغافل کنی و راز او با هیچ کس در میان ننهی، و با او آن کنی که دوست داری او با تو کند. و چون از او با تو چیزی گویند، زود با او در میان نهی تا از پیش خاطر برخیزد». (ر. ک. همان: ۱۷۱)

در این حکایت نیز لزوم اطلاع از محل زندگانی برادران و دوستان مورد تأکید قرار گرفته تا در صورت بروز اتفاقات ناگوار برای یاران بتوان به آنان کمک و یاری رساند، همچنین لزوم احترام متقابل بین برادران و راز داری از مواردی است که بدان تأکید شده که موجبات آرامش و امنیت جامعه را فراهم می‌کند.

در کتاب تذکره الاولیاء عطار احوالی در خصوص فتوت و جوانمردی نقل شده که بیانگر چگونگی سلوک اجتماعی فتیان است: جوانمردی آن است که بار خود بر خلق ننهی و آن چه داری بذل کنی، و نیز آن است که خلق را چون خویشان خواهی، بلکه بهتر! فتوت در

گذاشتن بود از برادران و نیز آنست که با درویشان نقار نکنی و با توانگران معارضه نکنی.» (ر. ک. عطار، ۱۳۷۹: ۸۲۵)

در این توصیفات نیز همان جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی اهل فتوت در ارتباط با مردمان مطرح گردیده که شامل روحیه گذشت و خیرخواهی برای دیگران و عدم معارضه با خلق خداست.

#### نتیجه‌گیری:

در بیشتر متون نثر عرفانی تا پایان قرن ششم هجری، آداب و رسوم فتیان به عنوان موضوعی مجزاً مورد تأمل قرار نگرفته و پژوهشگر لازم است تا به منظور تحقیق در این زمینه به معنا و مفهوم مطالب مطرح شده توجه داشته باشد. البته عدم توجه نویسندگان متون نثر عرفانی به موضوع آداب و رسوم اهل فتوت به عنوان مسأله‌ای مستقل، امری بدیهی است، زیرا که این افراد در صدد بیان مسائل کلی اهل فتوت نبوده، و تنها به ذکر توصیفی از آن که اتفاقاً بیانگر اخلاق و رفتار اجتماعی (فتیان) بوده است بسنده کرده‌اند.

از آن جاکه مهمترین مبانی فکری اهل فتوت، یعنی: ایثار، فداکاری، گذشت و بذل و بخشش، جملگی در ارتباط با مردم و اجتماع معنا می‌یابد و تقریباً در همه متون نثر عرفانی بدین صفات بارز اشاره شده، می‌توان از خلال تعاریفی که از اهل فتوت در این متون آمده، متوجه روابط اجتماعی و تاحدودی آداب و رسوم فتیان شد؛ زیرا که نوع روابط اجتماعی و آداب و رسوم ایشان برگرفته از مبانی فکری آن هاست.

البته در برخی آثار، مانند: «کتاب الفتوة» که در ردیف قدیمی‌ترین و کامل‌ترین کتاب‌هایی قرار دارد که در مورد اهل فتوت تألیف یافته، تقریباً تمام مسائل فتیان از جمله: مسائل اجتماعی و آداب و رسوم و غیره مطرح گردیده است. در کتاب «المقدمه فی التصوف و آداب الصحبه» نیز مطالبی درباره آداب و رسوم اهل فتوت (اخوت) آمده است. در کتاب رساله قشیریه و تذکره‌الاولیاء نیز موضوع آداب و رسوم این گروه در قالب حکایت‌های متعدد مطرح شده است. به نظر می‌رسد هدف از نقل این حکایت‌ها معرفی بهتر جوانمردان و توصیف صفات پسندیده فتیان بوده است، نه منحصرأ پرداختن به مسائل آداب و رسوم و یا موضوعات اجتماعی. در کتاب عوارف المعارف نیز حکایت‌هایی موجود است که می‌تواند بیانگر برخی از آداب و رسوم اهل فتوت باشد.

در مورد مسائل اجتماعی جوانمردان در متون نثر، هرچند نویسندگان این آثار توجه

ویژه‌ای نسبت به این موضوع نداشته‌اند، ولی ناخودآگاه با ذکر تعاریف و اوصاف فقیهان در آثارشان بصورت غیرمستقیم مسائل اجتماعی و نوع روابط اهل فتوت را با برادران، نزدیکان، ثروتمندان، تهیدستان، خانواده و زنان نشان داده‌اند. در آثاری مانند: «کتاب الفتوة»، و همچنین «آداب الصّحبه» و «قوت القلوب» بیشترین مطالب در ارتباط با مسائل اجتماعی اهل اخوت (فتوت) مطرح شده است. به نظر می‌رسد در متون نثر عرفانی به مسائل اجتماعی نسبت به موضوع آداب و رسوم عنایت بیشتری شده؛ زیرا که کثرت تعاریف و توصیفات در باب جوانمردان، به طور ضمنی دال بر بیان مسائل گوناگون و نحوه سلوک اجتماعی این گروه نیز خواهد بود. از سویی نیز بدیهی است جوانمردان با ویژگی‌های خاص شخصیتی خود، در میان مردم به عنوان گروهی خاص از دیگران متمایز بوده‌اند و توصیفات و اشارات فراوان و گوناگون نویسندگان متون نثر عرفانی حاکی از این معناست. در نهایت می‌توان چنین استنباط نمود که تجلی آداب و رسوم جوانمردان در آثاری مانند «کتاب الفتوة» و دیگر متون نثر عرفانی تا پایان قرن ششم هجری نشانگر آن است که فقیهان به عنوان تشکلی اجتماعی همواره از موقعیت خاص اجتماعی برخوردار بوده‌اند که جهت پیشبرد اهداف عالی خود در مسیر تکامل انسانی، خود را ملزم به رعایت آیین نامه و آداب و رسوم خاصی می‌دانسته‌اند که بخش اعظمی از مفاهیم و مبانی فکری آن برگرفته از قرآن و سنت رسول گرامی اسلام (ص) است.

## منابع و مأخذ:

- ۱- ابن منور میهنی، محمد، (۱۳۷۶)، اسرار التّوحد فی المقامات الشیخ ابی سعید، تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ چهارم، تهران: آگاه.
- ۲- ابو طالب مکی، (۲۰۰۷)، قوت القلوب، جلد دوم، راجعه سعید نسیب مکارم، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ۳- ابونصر سراج طوسی، (۱۳۸۲)، اللّمع فی التّصوف، ترجمه: مهدی محبتی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ۴- اربابی، علی، (۱۳۹۰)، آئین پهلوانی، جوانمردی و عیاری، چاپ اول، تهران: زوار.
- ۵- فشاری، مهران، (۱۳۸۴)، آئین جوانمردی، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۶- افشاری، مهران و مهدی مداینی، (۱۳۸۵)، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، چاپ دوم، تهران: چشمه.
- ۷- خرقانی، شیخ ابوالحسن، (۱۳۶۳)، احوال و اقوال ابوالحسن خرقانی به ضمیمه منتخب نورالعلوم، تصحیح مجتبی مینوی، چاپ سوم، تهران: طهوری.
- ۸- خواجه عبدالله انصاری هروی، (۱۳۸۶)، طبقات الصوفیه، تصحیح: محمد سرور مولایی، چاپ دوم، تهران: توس.
- ۹- سلمی نیشابوری، ابوعبدالرحمن، (۱۳۷۲)، مجموعه آثار ابوعبدالرحمن سلمی نیشابوری، جلد دوم و سوم، تصحیح: نصرا... پورجوادی، چاپ اول، تهران: نوبهار.
- ۱۰- سهروردی، شهاب الدّین عمر، (۱۳۶۴)، عوارف المعارف، ترجمه: ابومنصور عبدالرحمن اصفهانی، به اهتمام: قاسم انصاری، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۱- صراف، مرتضی، (۱۳۵۲)، رسایل جوانمردان مشتمل بر هفت فتوت نامه، چاپ اول، تهران: چاپخانه پیکان
- ۱۲- عطّار نیشابوری، فریدالدین، (۱۳۷۹)، تذکره الاولیاء، تصحیح: رینولد نیکلسون، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ۱۳- عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر زیاری، (۱۳۵۲)، قابوسنامه، تصحیح: غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۴- قشیری، ابوالقاسم، (۱۳۶۱)، ترجمه رساله قشیری، تصحیح: بدیع الزّمان فروزانفر، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۵- کرین، هانری، (۱۳۸۳)، آیین جوانمردی، ترجمه: احسان نراقی، چاپ اول، تهران: سخن.

- ۱۶- مشتاق مهر، رحمان، (۱۳۷۸)، آیین جوانمردان و اصول جوانمردی از دیدگاه عارف انسان دوست، شیخ ابوالحسن خرقانی، نامه پارسی، ش ۴.
- ۱۷- میدی، ابوالفضل رشیدالدین، (۱۳۵۷)، کشف الاسرار و عدة الأبرار، جلد دوم، تصحیح: علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان، (۱۳۸۹)، کشف المحجوب، تصحیح: محمود عابدی، چاپ ششم، تهران: سروش.